

مبارزه برای یک زندگی بهتر!

در حاشیه تظاهراتی چند صد هزار نفری کارگران و مردم زحمتکش علیه تجمع گروه ۲۰ در آلمان و بریتانیا

اسماعیل مولودی

۲۹ مارس ۲۰۰۹

آرزوی اساسی هر انسانی در زندگی راحتی و آسایش است. یعنی تمام تلاشی که بشر در طول تاریخ زندگی خود داشته و دارد ایجاد فضایی انسانی و امنیت اقتصادی و اجتماعی است. تاریخ بشر پر از دعوا برای این خواست بر حق و انسانی بوده و تا جامعه به طبقات تقسیم شده این فضا بر جای خواهد ماند. حاکمیت در هر دوره ای با ایجاد سیستم و قوانین غیر انسانی تلاش مینماید جامعه را به نفع خود سازماندهد و در این سازماندهی تلاش مینماید که واقعیت زندگی را از انسانها بگیرد و فضایی غیر انسانی را بنام واقعیت موجود به آنها حقه کند و تا کنون کرده اند. طبقه داربعنوان صاحب جامعه سرمایه داری برای اداره و پیشبرد خواست خود انواع و اقسام ارگانها و تشکلهای را سازمان میدهد و داده است. گروه ۲۰ یکی از آن تشکلهایی است که حافظ منافع سرمایه و تلاشی برای نجات سرمایه از بحرانها و چاره برای در آمدن از تند بپچهاست. در دل بحران کنونی سرمایه داری تجمع سران کشورهای گروه ۲۰ معنی خاص خود را دارد، یعنی اوضاعشان وخیم است. اما کارگران و مردم ستمدیده هیچ نفعی در این تجمعها ندارند، و لازم است برعکس علیه آن مبارزه کنند.

دیروز ۲۸ مارس تظاهراتی بزرگی در اکثر کشورهای اروپایی از جمله در شهرهای فرانکفورت و برلین آلمان و لندن بریتانیا علیه تجمع رهبران کشورهای عضو گروه ۲۰ بود. در لندن بیش از ۱۵۰ سازمان و تشکلهای کارگری در یک تظاهرات خیابانی نفرت و خشم خود را علیه سرمایه به نمایش گذاشتند. یکی از کارگران به نام جیرمی جور همه جامعه را به اعتصاب فرا خواند و گفت: اگر تظاهرات نکنیم اگر خشم و اگر اعتراض خود را علنی در خیابانها ابراز نداریم، بچه هایمان از این گرسنه تر میشوند، بی لباس و کفش خواهند بود و خانواده ها پیمان از این گرسنه تر خواهند شد. او خطاب به کارگران و همه افراد نادر در جامعه گفت باید با تظاهرات، اعتصاب در کارخانه ها، اشغال کارخانه ها و بهر وسیله ای که میتوانیم با صدای خود را علیه این وضع به گوش جهانیان برسانیم.

Stewart Malwin

یکی دیگر از کارگران بنام ستوارت مالوین

گفت گروه ۲۰ کارش و استرژیش تحمیل فقر بیشتر به ما کارگران و اقشار فقیر در جامعه است. گ ۲۰ کارش از بین بردن حقوق حقه کارگران و به نابودی کشاندن محیط کار و زندگی ما انسانهاست. تنها الترناتیو ما مردم کارگر و زحمتکش این است که بیرون بیاییم، متحد شویم و در مقابل این وضعیت غیر انسانی به ایستیم. ما نباید اجازه دهیم بر محیط کار و زندگی ما کنترل داشته باشند و اینکار تنها با اتحاد و همبستگی ما ممکن خواهد بود.

آری اینها تنها نمونه هایی کوچک از خواست برحق انسانهاست که میخواهند برای یک دنیای بری از هر استثمار و سود جویی زندگی کنند. این خواستها آرزوی دیرینه ما انسانهاست که در رفاه و آسایش باشیم. نعمات و امکانات در دنیا به یمن پیشرفتهای علمی و تکنیکی بشر آنقدر زیاد اند که هیچ موجودی گرسنه نه میماند اگر دست سرمایه از حاکمیت بر آنها کوتاه شود.

بحران کنونی که دامن گیر سرمایه در دنیا شده است چیز تازه ای نیست و بارقه این بحران در سالهای ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ علنا خود را نشان داد. بنا به خصوصیت سرمایه هر دوره به نوعی این دمل چرک کرده سرمایه داری سر باز میکند و دنیا با تعفن کثیف خود به کام مرگ و نابودی میکشاند. تجمع رهبران گ ۲۰ تلاشی است که بحران ایندوره را با کمترین درد سر از سر بگذرانند. اما بحران ایندوره تازه نیست همچنانکه در بالا اشاره کردم بارقه این بحران از سه سال پیش خود را علنی کرده. تولید و اجناس باد کرده در بازارهای دنیا، مسئله وام مسکن و وجود بهرهای سرسام آور همه و همه بارقه های این بحران در چند سال پیش بودند که امروز همه جای سرمایه را گرفته است. سرمایه داران برای نجات خود قبل از این اول از پائین آوردن سطح رفاه اجتماعی شروع کردند. همه امکانات اجتماعی و رفاهی که زمانی بیمن مبارزات مردم کارگر و آزادیخواه به سرمایه داران تحمیل شده بود از سالها قبل تلاش میکنند در کشورهای اروپایی و آمریکا و کانادا از مردم بگیرند. دولت رفاه که حاصل مبارزات

مردم بود به دولت تاراج امکانات اجتماعی از مردم تبدیل شده. این مسئله از اواسط دهه ۱۹۹۰ علنا خود را به جامعه نشان داد. ما میدانیم که سرمایه سود دهی خود را دیگر از قبل تولید بدست نمیآورد آنچه که امروز سود دهی سرمایه را بالا میبرد بهره بانکی است و بقول مارکس سود دهی سرمایه از بهره و ربا خواری است که نیروی محرکه سرمایه میشود. یعنی امروز سرمایه بانکها هستند که حیات سرمایه را رقم میزنند نه تولیدات کارخانه ها. اگر به زندگی روزمره آدمها نگاه کنید هر کس به نحوی زندگیش در چنگال بانکهاست. از کارتهای کرایدیت گرفته تا وامهای مسکن، ماشین و وامهای دیگر. سرمایه مالی امروز کل حیات نظام جامعه سرمایه داری را بدست گرفته و بهمین خاطر روز بروز بیشتر در فساد مالی غرق میشود. در وهله اول این فساد در خود بانکها و مراکز اقتصادی شروع شد، و مسئولین و رؤسای بانکها با دادن امتیازهای سرسام آور مالی به خود بحران و فساد را تشدید کرده اند. این فساد تنها به کشور خاصی مربوط نمیشود. از آنجا که با گسترش سرمایه در تمام دنیا در نتیجه جزیره آرامش برای هیچ کسی وجود ندارد. بحرانی که در آمریکا با مسئله وام مسکن خود را نشان داد در سریعترین وقت موجود تمام کشورها و سیستم بانکی دنیا را گرفت. چون سرمایه از حالت ملی و میهنی سالهای سال است بدر آمده. در این وضعیت موجود سرمایه تلاش میکند همه هستی و نیستی مردم کارگر و زحمتکش را بالا بکشد. با تحمیل فقر و گرسنگی به جامعه کارگر و زحمتکش سرمایه تلاش میکند از مهلکه جان بدر ببرد. در همین رابطه است که فشار سرمایه بر تشکلهای کارگری و تلاش سرمایه بر به انزوا و منکوب کردن هر حرکت کارگری در هر نقطه از دنیا امری جدی است. قطعاً ضعیف ترین طبقه جامعه که مردم کارگر و زحمتکش هستند بیشترین بار این محرومت را باید بدوش بکشند اگر برای خود چاره ای نیاندیشند. اساساً تجمع رهبران کشورهای عضو گ ۲۰ تلاش برای در آمدن از این بحران و چاره جویی برای بیرون آمدن از زیر خشم مردم کارگر و زحمتکش است. تلاش گ ۲۰ اساساً دادن راه چاره به سرمایه داری است که چگونه خود را از زیر بار آن درآورد.

اما این تلاشی است که صف سرمایه برای نجات خود ایجاد کرده. سوال این است آیا با تظاهراتهای خیابانی در چند شهر میتوانیم جواب این وضعیت رت بدهیم؟ آیا ما کارگران و مردم فقیر جامعه که بیشترین بازندگان این بحران هستیم؟ و هم اکنون هم سرمایه داری با تجمع خود در کنفرانس سران کشورهای گ ۲۰ که میخواهند راه چاره برای خود ببینند؟ با چند تظاهرات خیابانی میتوانیم در مقابل توطئه آنها به ایستیم؟ آیا ما کارگران و مردم ستم کش میتوانیم با تظاهراتها و تجمعهای پراکنده جوابی برای رهانیدن کودکانمان از گرسنگی و نیز امنیت اجتماعی و شغلی برای خود ایجاد کنیم؟ نه

تظاهرات و پیام تظاهر کنندگان دیروز در آلمان و انگلیس این است که جواب سرمایه را باید با اتحاد و همبستگی و متشکل شدن داد. کارگری که در لندن در تظاهرات خیابانی داد میزند و میخواهد از ما که تنها با تشکل و اتحاد میتوانیم جلو توحش سرمایه را بگیریم پیامی جدی به ما کارگران و مردم زحمتکش در دنیا است. ندای کارگران تظاهر کنندگان دیروز لندن و فرانکفورت و برلین نشان از موقعیت جدی و خطر تحمیل بیکاری و گرسنگی بیشتر به کارگران و خانواده هایشان است. نباید اجازه دهیم که سرمایه داران بحران مالی خود را با تحمیل بیشتر و بیشتر فقر و سیه روزی به ما کارگران جبران کنند. هم اکنون صف بیکاری هر روزه دارد طولانی و طولانی تر میشود. سرمایه داران با کنفرانس گروه ۲۰ در این موقعیت میخواهند کثافت کاری ها و ددمنشی سرمایه را لاپوشانی کنند. دادن وام به بانکها برای سرپا نگهداشتن بانکها جزو طرحهای جدی ایندوره است. کم کردن بهره وامها راهی دیگر اما هیچکدام از اینها مسئله ما کارگران و مردم فقیر نیست. مسئله ما همان پیام دیروز کارگران معترض در تظاهراتهای چند صد هزار نفری آلمان و انگلیس است. تشکل و اعتراضات دستجمعی و مداوم به سرمایه و جلوگیری از ددمنشی و توحش سرمایه است. بقول کارگر انگلیسی در تظاهرات دیروز لندن: **جبرمی جور: اگر تظاهرات نکنیم اگر خشم و اگر اعتراض خود را علنی در خیابانها ابراز نداریم، بچه هایمان از این گرسنه تر میشوند، بی لباس و کفش خواهند بود و خانواده ها یمان از این گرسنه تر خواهند شد.**

یا کارگر دیگری بنام ستوارت مالوین در تظاهرات لندن همه کارگران را اینجوری فراخوان داد: **تنها الترناتیو ما مردم کارگر و زحمتکش این است که بیرون بیاییم، متحد شویم و در مقابل این وضعیت غیر انسانی به ایستیم. ما نباید اجازه دهیم بر محیط کار و زندگی ما کنترل داشته باشند و اینکار تنها با اتحاد و همبستگی ما ممکن خواهد بود.**

این نیاز جدی امروز جنبش کارگری در سراسر دنیاست که از زبان کارگران انگلیسی و آلمانی امروز در رژه خیابانی لندن و برلین و فرانکفورت بیرون می‌آید و همه کارگران را مورد خطاب قرار می‌دهند. سرمایه از نبود تشکلات جدی کارگران دارد نفع خود را می‌بیرند. حرف مارکس را باید دوباره زنده کرد "چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است" تا بتوانند به آرزوی دیرینه انسانها جامعه عمل ببوشانند. پیام دیروز کارگران انگلیسی و آلمانی دقیقاً بر بستر پیام مارکس بود و هست.

مبارزه برای یک زندگی بهتر و انسانی بدون تشکل کارگران میسر نیست.

درود بر شرکت کنندگان در تظاهرات دیروز لندن، فرانکفورت و برلین.

اسماعیل مولودی

۲۹ مارس ۲۰۰۹